

نسخه ضروری برای دوران پساچنگ در جامعه چیست؟

ایران برای همه مردم ایران

صفحه ۲



چه زمانی ایران با ترامپ مجددا پای میز مذاکره خواهند رفت؟

ابهام در دور جدید

مذاکرات در میان تناقض‌ها

گروه سیاست خارجی- در پی حملات نظامی اسرائیل و آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران در ژوئن ۲۰۲۵، مواضع متناقض دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، درباره مذاکره یا تشدید فشار بر ایران، بحث‌های گسترده‌ای را برانگیخته است. راهکار برون رفت از بحران کنونی چیست؟

مواضع متناقض ترامپ و زمینه‌سازی برای مذاکره در روزهای آینده و پیش از آن، حملات هماهنگ اسرائیل و آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران در نطنز، فردو و اصفهان، تنش‌های منطقه‌ای را به اوج رساند.. در حاشیه دیدار دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، استیوویتکاف، فرستاده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا در امور خاورمیانه اعلام کرد که هفته آینده یا کمی دیر تر، مذاکرات با ایران از سر گرفته‌می‌شود.

این اظهارات در شرایطی بیان شد که دونالد ترامپ در حاشیه این دیدار گفته‌بود که ایرانی‌ها به دنبال مذاکره هستند و سخنگوی کاخ سفید یک روز قبل گفته‌بود که ممکن است ترامپ دیگر ضرورتی برای توافق با ایران نبیند.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در سخنرانی‌ها و پست‌های شبکه‌های اجتماعی خود، مواضعی متضاد درباره ایران اتخاذ کرده است: از دعوت به مذاکره و صلح تا تهدید به حملات بیشتر و حتی طرح ایده تغییر رژیم. این تناقض‌ها، به‌ویژه پس از حملات خردادماه امسال، نشان‌دهنده فقدان در مقابل، ایران با تکیه بر حق قانونی خود برای غنی‌سازی اورانیوم به‌عنوان عضو معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای (NPT) و تأکید بر توقف حملات اسرائیل، شرایط روشنی برای مذاکره تعیین کرده است.

شرح درصفحه ۱



هیچ نگرانی در خصوص امنیت مرزها وجود ندارد

آمادگی بیش از ۳۰۰۰

موکب برای زائرین کرلا

صفحه ۲



لژیونر ایرانی در بالاتکلیف‌ترین حالت ممکن

مهدی طارمی

روی هوا!

صفحه ۵



معاون وزیر بهداشت خبر داد

۱۲۰ مجروح جنگ بستری

در بیمارستان‌ها

صفحه ۶

خبر

دلیل وسواس «ترامپ» نسبت به گروه بریکس چیست؟

تأکید «بریکس» بر چندجانبه‌گرایی و حرکت در مسیر ایجاد نظم چندجانبه بر خلاف رویکرد «دونالد ترامپ» برای احیا و تحمیل هژمونی غرب به رهبری آمریکا را می‌توان دلیلی بر تهدید دانستن گردهمایی این گروه غربی‌به عنوان ائتلافی ضدغربی از سوی مقام‌های واشنگتن دانست.

«هر کشوری که با سیاست‌های ضدآمریکایی بریکس همسو شود، ۱۰ درصد تعرفه اضافی پرداخت خواهد کرد. هیچ استثنایی برای این سیاست وجود نخواهد داشت.»

به گزارش ایرنا، این تهدیدی بود که «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهوری آمریکا روز دوشنبه در رسانه‌های اجتماعی در مورد اجلاس بریکس که روز یکشنبه در ریودوژانیرو برزیل آغاز شد، منتشر کرد.

تهدید ترامپ را می‌توان آخرین اظهارات یک مقام ارشد آمریکایی در نظر گرفت که به این بلوک متشکل از اقتصادهای نوظهور جهان به چشم یک گروه ضدآمریکایی و ضدغربی می‌نگرد. در سال ۲۰۲۴ نیز «مارکو روبیو» سناتور وقت و وزیر امور خارجه فعلی آمریکا در مقاله‌ای، بریکس را تهدیدی برای ایالات متحده و غرب توصیف کرد. در بخشی از این مقاله آمده است: فراموش نکنیم. بریکس در سال ۲۰۰۹ توسط ولادیمیر پوتین [رئیس‌جمهوری روسیه] با هدف مشخص سرنگونی ایالات متحده از جایگاه رهبری جهان تاسیس شد.

ترامپ در نوامبر ۲۰۲۴ نیز، پیش از اینکه دوباره ریاست جمهوری آمریکا را به دست بگیرد، این بلوک را در صورت برداشتن گام‌های برای کاهش استفاده از دلار در معاملات تجاری خود تهدید کرد. ترامپ در آن زمان در شبکه‌های اجتماعی نوشت: ما از این کشورها می‌خواهیم که متعهد شوند ارز جدیدی برای بریکس ایجاد نکنند یا از هیچ ارز دیگری برای جایگزینی دلار قدرتمند آمریکا حمایت نکنند، در غیر این صورت با تعرفه‌های ۱۰۰ درصدی مواجه خواهند شد.

بریکس، گروهی ضدغربی یا غیرغربی؟

در حالی که واشنگتن اصرار دارد بریکس را به‌عنوان ائتلافی ضدآمریکایی و غربی معرفی کند، اعضای اصلی این بلوک همچون روسیه و برزیل بارها تأکید کرده‌اند که بریکس علیه هیچ کشور ثالثی نیست. آنچه به مذاق آمریکا خوش نیامده را می‌توان این نکته در نظر گرفت که بریکس همواره از نظر تاریخی از تریبون خود به عنوان جایگاه مطالبه اصلاحات در سیستم‌های حاکمیتی بین‌المللی و مطرح کردن دغدغه‌های کشورهای جنوب جهانی در مجامع بین‌المللی استفاده و حمایت کرده است. تأکید بریکس بر چندجانبه‌گرایی و حرکت این گروه در مسیر ایجاد نظم چندجانبه بر خلاف رویکرد ترامپ برای احیای هژمونی غرب به رهبری آمریکا، کافی است تا دلیل تهدید دانستن گردهم‌آیی بریکس به عنوان گروهی ضدغربی از سوی مقام‌های واشنگتن را درک کنیم.

«مائورو ویرا» وزیر امور خارجه برزیل به تازگی در مقاله‌ای در مجله مرکز روابط بین‌الملل برزیل (CEBRD)، این تصور که بریکس یک گروه ضد غربی است را رد و تأکید کرد: پوچی این کلیشه، که از تحلیل‌های عجولانه یا خودخواهانه ناشی می‌شود، نمی‌تواند این واقعیت را نادیده بگیرد که هر بلوکی که اعضای یا مسیر و ویژگی‌های دیپلماتیک کشورهایمانند برزیل، آفریقای جنوبی و هند را گرد هم می‌آورد، نمی‌تواند ضد غربی تلقی شود. «کالودیا شینباوم» رئیس‌جمهوری مکزیک نیز در پاسخ به تهدیدهای همتای آمریکایی خود (با توجه به اینکه مکزیک به عنوان کشور مهمان در اجلاس بریکس در ریودوژانیرو شرکت کرد) گفت: ما مخالفیم؛ رابطه بین کشورها همیشه باید مبتنی بر همکاری برای توسعه باشد؛ این موضع ماست. «آلبرتو ون کلارون» وزیر امور خارجه شیلی نیز در انتقاد از تهدیدهای ترامپ گفت: ما یک کشور مستقل هستیم. شیلی سیاست خارجی خود را به طور مستقل تعریف می‌کند؛ ما این موضع را در طول زمان حفظ کرده‌ایم و دلیلی برای تغییر آن نمی‌بینیم. واکنش‌های اعضای آمریکا و کشورهای که تمایل دارند وارد این بازار بزرگ شوند نشان می‌دهد که تأکید بر برابری حاکمیتی همه ملت‌ها، تمامیت ارضی، مداخله نکردن، سبک غیر اجباری دیپلماسی بین‌المللی و رد رفتار ناخواه‌پالیستی از ویژگی‌های فلسفه عملکرد این گروه است. به بیان دیگر، در شرایطی که درگیری‌های فزاینده به مشخصه عصر حاضر تبدیل شده است، رویه بریکس را اینطور می‌توان تعریف کرد: بازگشت به مفهوم حاکمیت به عنوان یک ارزش و مداخله نکردن به عنوان یک اصل با احترام به حقوق بین‌الملل و منشور سازمان ملل متحد که در آن، اعمال اقدامات قهری یک جانبه، که به طور گسترده توسط غرب علیه کشورها استفاده می‌شود، جایی ندارد.

بررسی واکنش چین به تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران

انتظار حمایت نظامی چین از ایران با سیاست خاورمیانه‌ای پکن در تعارض است

دشمنان قرار می‌دهد.

به نظر بنده هر دو تحلیل فوق غلط و دوروی یک سکه هستند؛ اگر ما به درستی ماهیت سیاست کلان روسیه و چین و تصور آن طی چند دهه گذشته را بشناسیم و اگر روابط این دو کشور با سایر قدرت‌های منطقه‌ای اعم از اسرائیل، ترکیه و کشورهای خلیج فارس را بفهمیم، به این درک می‌رسیم که اساسا ما نباید چنین انتظاری از این دو کشور داشته باشیم. قرار گرفتن در کنار ایران و حمایت نظامی از آن در بحبوحه تعارض اسرائیل و ایران با ماهیت سیاست خاورمیانه‌ای چین در تعارض است.

پس از جنگ تحمیلی اخیر بسیاری از تحلیل‌های پساجراحان در افکار عمومی داخلی از این سوال نشأت می‌گیرد که چرا اساسا چین و روسیه دوست روزهای سختی ایران نیستند؛ پاسخ این سوال از منظر شما چیست؟ برخی از سیاست‌گزاران ایرانی بر این باورند که توافق راهبردی با چین و روسیه باید این کشورها را تبدیل به حامیان نظامی ایران مقابل رژیم اسرائیل و آمریکا کنند و عدم حمایت این کشورها را نیز به عدم همکاری راهبردی قوه مجریه با روسیه و چین در ادوار گذشته و به ویژه دوران پساجراحم نسبت می‌دهند. از سوی دیگر، در سطح جامعه نیز این عدم همراهی دفاعی- نظامی چین و روسیه، فضای چین ستیزی و روس ستیزی شکل داده و آنها را در رديف دشمنان قرار می‌دهد.

به نظر بنده هر دو تحلیل فوق غلط و دوروی یک سکه هستند؛ اگر ما به درستی ماهیت سیاست کلان روسیه و چین و تصور آن طی چند دهه گذشته را بشناسیم و اگر روابط این دو کشور با سایر قدرت‌های منطقه‌ای اعم از اسرائیل، ترکیه و کشورهای خلیج فارس را بفهمیم، به این درک می‌رسیم که اساسا ما نباید چنین انتظاری از این دو کشور داشته باشیم. قرار گرفتن در کنار ایران و حمایت نظامی از آن در بحبوحه تعارض اسرائیل و ایران با ماهیت سیاست خاورمیانه‌ای چین در تعارض است. صحبت‌هایی از خرید جنگنده‌چینی در فضای رسانه‌ای مطرح شده‌است؛ آیا چنین اساسا اراده ای برای فروش تسلیحات به ایران دارد؟ خرید و فروش تسلیحات صرفا یک قرارداد تجاری معمول با محاسبات سود و هزینه مرسوم نیست. فروش تسلیحات ای از سوی یک قدرت بزرگ خارجی به یک قدرت منطقه ای می‌تواند توازن قدرت را در یک منطقه برهم بزند و می‌تواند مناسبات کشور فروشنده را با دشمنان خریدار تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین چین با یک معادله پیچیده سود- هزینه برای فروش تسلیحات به ایران مواجه است. نوع این تسلیحات هم در محاسبات استراتژیک چین است .

به طور مثال تسلیحاتی که ماهیت تهاجمی دارند(مانند جنگنده) با تسلیحاتی که ماهیت تدافعی دارند (مانند پدافند) محاسبات متفاوتی خواهند داشت. با مجموع این شرایط من تصور می‌کنم در آینده قابل پیش بینی، چین اقدام به فروش جنگنده به ایران نخواهد کرد.

البته این نکته نیز حائز اهمیت است که چین در این موضوع نیم نگاهی نیز به بازگشت قطعه‌های شوری امنیت و احتمال فعال شدن مکانیسم ماشه دارد چرا که این قطعه‌ها مباحث تسلیحاتی را نیز شامل می‌شوند؛ بنابراین پکن علاوه بر سیاست‌هایی که پیش‌تر عنوان شد، این موضوع را نیز به عنوان یکی از موانع فروش سلاح به ایران پیش روی خود می‌بیند.

تدبیر دولت برای تامین نیروی کار کارگاه‌های ساختمانی چیست؟

ساخت‌وساز مسکن در

غیاب کارگران افغانستانی

صفحه ۱۵



سعید پای بند

سرمقاله



اتحاد بی‌نظیر در دوران جنگ ۱۲روزه؛ میرانی که باید حفظ و تقویت شود

اتحاد شکل گرفته در روزهای سخت جنگ، نه تنها گذرا و موقتی نیست، بلکه سرمایه ای سترگ و بنیادین است، که حفظ و تقویت آن، ضامن امنیت و پیشرفت آینده کشور خواهد شد. برای نگهداری این پیوند عمیق نیازمند یک برنامه ریزی دقیق و منسجم با ایده های نو که با ذائقه ی ملت سنجیت دارد، در اولویت اصلی باشد. نوع نگاه بخشی حذف شود و تفکرات تشکیلاتی با خرد جمعی بایستی در بطن جامعه حاکم باشد، چرا که در این جنگ ۱۲ روزه، باوجود نگرش های مختلف، نازحاتی ها و قهرهای سیاسی، ملت به صورت خودجوش، با درک عمیق و شناخت بسیار بالا از وضعیت کشور، برادری و حسن نیت خویش را ثابت کردند، و به دنیا نشان دادند ملت متعهد و متعصب ایران زمین، مردمانی بی نظیر و وفادار به خاک خویش هستند، جان می دهند اما خاک هرگز، این است جوهر مردمان اصیل و باوقاری که در طول تاریخ در برابر هر دشمنی هیچ وقت سر خم نکرده اند. پیچ و خم روزهای سخت جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم جنایتکار اسرائیل، حاوی نکات بسیار مهم و حیاتی هستند که نباید مورد غفلت و بی توجهی قرار گیرد. وقتی کشور ما در معرض تهدیدات و چالش‌های فراوان قرار داشت، اتفاقی بزرگ و بی‌سابقه رخ داد؛ اتحاد و همبستگی تمام اقوام، گروه‌ها و طبقات اجتماعی که همچون زنجیری محکم، کشور را در برابر خطرات حفظ کرد. این مدهلی تاریخی، میراثی گرانبهاست که نه تنها ثمره تلاش‌های مشترک برای بقا بود، بلکه سرمایه‌ای استراتژیک برای آینده کشور است. اما اکنون، پس از عبور روزهای دشوار، وظیفه‌ای خطیر بر دوش مسئولان مربوطه و دولتمردان قرار دارد: حفظ و تقویت این پیوند بی‌نظیر، تا از فروپاشی آن جلوگیری شود و آن را به پایه‌ای مستحکم برای توسعه و پیشرفت مبدل سازیم.

ادامه درصفحه ۲